

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید بهشتی

۱۹ جنوری ۲۰۱۵

تغییر چشم انداز



ضربه تروریستی پاریس از دیدگاه مقابل چگونه به نظر می رسد؟ آیا به غیر از دیدگاه حاکم، حاکی از این که اسلامگرایان به آزادی مطبوعات ضربه زده اند به گونه دیگری نیز می توان آن را تعبیر نمود؟

من قصد دارم برای دیدگاه مقابل نمونه ای را مطرح نمایم که به خودم متعلق است. ۴۸ سال است من در المان زندگی می کنم، به ملیت المانی پیوسته، اینجا خانواده ای دارم، بازنشسته شده و مسلمانم. در ۲۰ سالگی پا به المان نهاده، ناظر بر این بودم چگونه کارگران در تعمیرات خیابانی با کلنگ اتوماتیک و ماشین های خاکبرداری تعمیرات کوچک را انجام می دادند.

ناظر بر این بودم که نفت، نفتی که با قرارداد استعماری میان امریکا و انگلستان از یکسو و شاه ایران از سوی دیگر پس از کودتای سازمان سیا علیه دولت دکتر مصدق جریان یافت در تعمیرات خیابانی به کار می رود. پس از کودتا سهم ایران از درآمد نفت کمتر از ۲۰ درصد نیز نبود.

ناظر بر این بودم که آن زمان مرمت خیابانها را در تهران کارگران با بیل و کلنگ و با زور بازوی خویش انجام می دادند، فقر بر کشور حاکم و زندانها پر از زندانیان سیاسی بود.

ناظر بر این بودم که در چیلی نیز امریکا کودتا کرد و المانها در اینجا بی خیال به زندگی خویش می پرداختند. با خود فکر می کردم، مردمان در اینجا چگونه می اندیشند؟ مردمی که به امریکا به دید تحسین می نگریند در حالی که کشورشان علاوه بر امریکا با انگلستان و فرانسه، با این دو قدرت قدیمی استعماری در یک پیمان نظامی بود؛ با این حال می خواستم آنها را درک کنم. لذا به انجمن های دانشجویی پروتستان و کاتولیک می رفتم، اما امکان گفت و گو نمی یافتم.

من فکر می کردم که اینها چگونه انسان هائی هستند که برایشان اهمیتی ندارد رفاهشان بر بیچارگی و ظلمی که بر کشورهای دیگر حاکم است بنا گشته و با کمال بی تفاوتی برای گذران ایام تعطیلات به میهن کسانی می روند که در فقر می زیند و با تحقیر نیز بدانان می نگرند؟ فکر می کردم آیا در درگاههای آنها چیزی جز خون جریان دارد؟ شاید که آنها موجوداتی غیر انسانی باشند!

بازگردیم به دیدگاه اسلامگرایان مهاجم!

آیا شخصی از اهالی عراق که می داند امریکا، انگلستان و سایر کشورهای همپیمان به میهن او حمله، بر آن غلبه یافته و پس از آن نیز بدون این که صدایش را در آورند نفت آنجا را به یغما می برند، چگونه فکر می کند؟
آیا شخصی از اهالی افغانستان که از والدین خویش شنیده است که علی رغم فقر و عقب ماندگی در زمان ظاهر شاه در چه شرایط آرامی زندگی می کردند و می داند پس از آن که با مشقت بسیار نیروهای شوروی را از سرزمین خویش راندند، گروه طالبان که توسط امریکا و دست نشاندگان سعودی و پاکستانی آنها تربیت یافته بودند، به همین امریکا دستاویز حمله بک کشورشانرا دادند، چگونه فکر می کند؟

آیا یک لیبیائی و یک فرد از اهالی اتیوپی که ... چگونه فکر می کند؟

جوانان نسل دوم و سوم مهاجر این کشورها به اروپا هنگامی که در مساجد با همکیشان خود که از میهن خویش گریخته و پناهنده گشته اند، مواجه می گردند، در حالی که خود را که در زادگاه خویش در انگلستان، فرانسه، المان و بلجیم غریبه می یابند، چگونه می اندیشند؟

آنها چرا آماده جلب توسط سلفی ها هستند، کسانی که در نهایت آزادی قادرند برای تبلیغ افکار ضد بشری و اطاعت طلب خویش فعالیت نمایند؟

آیا این جوانان، خود توان این را که امیال و مقاصد خویش را به زبان آورند ندارند که می باید مقاصد آنها را کارشناسان اسلامگرایی و تروریستی و روزنامه نگاران توجیه و تعبیر نمایند؟ آیا به جای دیوگونه و شیطانی جلوه گر ساختن آنها بهتر نیست برای درک دیدگاهشان کوشش نمود؟

۱۸ جنوری ۲۰۱۵